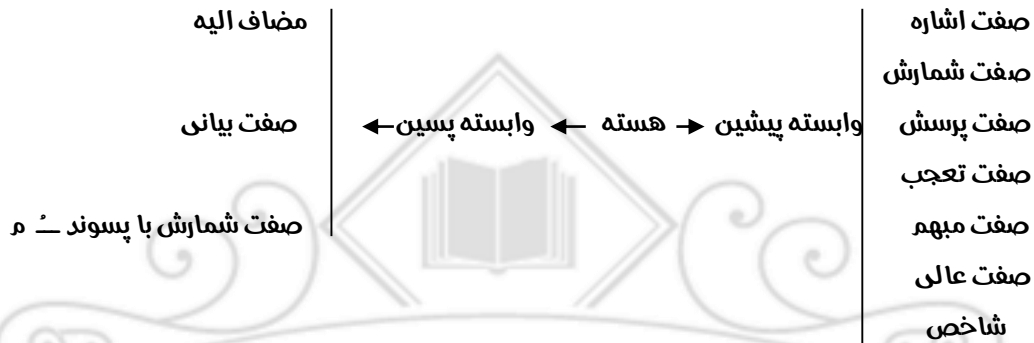




گروه اسمی

ساختار کلی :



نکته



هسته ها میتوانند بدون وابسته یا همراه وابسته های پیشین یا پسین ذکر شوند ، پس آوردن وابسته های پیشین و پسین در گروه اسمی ضروری نیست ، زیرا وابسته ها فقط برای توضیح هسته از نظر معنایی با آن همراه میشوند و اجزای اصلی محسوب نمیشوند (یعنی هسته به تنهایی نقش یک گروه اسمی را به عهده میگیرد .)

هسته ← اسم یا واژه ای در حکم اسم

نقش های منادا- نهاد- مفعول - متمم-مسند ← گروه اسمی

⚠ تذکر :

در پیدا کردن گروه باید به صورت سوال توجه داشته باشید که چه چیزی از شما می خواهد :
ممکن است از شما تعداد گروه ها را پرسد که در این صورت باید هم گروه اسمی هم فعلی و هم قیدی را حساب کنیم.
اما اگر گروه اسمی را پرسد ، نقش های نهاد منادا مفعول متمم و مسند را حساب میکنیم.

← تمرین :

✂ جودان بر اسب یال افشان زردش می چمد در آن

✂ باغ بن برگی که می گوید که زیبا نیست

✂ نگاهم در آبی بن کران آسمان ها به پرواز در آمد



← هسته :

اگر یک گروه اسمی مرتب باشد اولین کلمه ای که کسره اضافه بگیرد هسته است .

نکات

نکته

۱- باید به حرف اضافه توجه کنید که دارای کسره میباشد ولی هسته نیستند و کلمه بعدی وابسته نیست .

مثال :

فقط یک دل خوشی برایش مانده بود ← در اینجا (برای) حرف اضافه است و هسته نیست .

۲- مهمترین حروف اضافه کسره دار: برای - مانند - مثل - درباره - به جای - بخاطر

۳- همه و معانی آن می توانند اولین کلمه ای باشند که کسره گرفته اند اما هسته نیستند .

۴- اگر هیچ کلمه ای کسره نگرفت ← آخرین کلمه هسته است . ← همان سه گل ← گل در اینجا هسته است .

۵- نشانه جمع و (ی نکره) را وابسته حساب نکنید .

۶- هنگام شمارش گروه های اسمی در یک جمله و همچنین هنگام شمارش واژه ها باید به ساده یا مرکب بودن فعل جمله توجه داشت . اگر فعل جمله مرکب نباشد جز قبل از فعل ، خود یکی از اجزای جمله به حساب می آید که معمولاً یک گروه اسمی در نقش مفعولی یا مسندی است .

فعل مرکب : گاهی پیش از یک فعل ساده ، مانند کرد - خورد - زد - یک اسم یا صفت می آید، با فعل ساده ترکیب می شود

و فعل مرکب می سازد اما گاهی واژه ای که پیش از اسم می آید مسند است نه فعل مرکب

مثال : منتقل کرد : منتقل گرداند : منتقل = مسند

← وابسته های پیشین

صفت اشاره : شامل (این - آن - همین - همان - چنین - چنان - این چنین - این همه - آنگونه.....)

مثال:

۱ - من هم همین کار را خواهم کرد. ۲ - آن حرف ها و همان رفتار ها.

واژه های این - آن - همین - همان میتوانند در جایگاه هسته گروه اسمی نیز بنشینند که در این صورت ضمیر اشاره اند .

مثال : این کتاب من است . مثال : آن خانه ماست.

مثال : گفت ای پسر این نه جای بازیست / بشتاب که جای چاره سازیست



صفت پرسش : شامل (کدام - چه - چند - چه قدر - چگونه - چطور - چنرمین - کدام و ...)

مثال : چه خوابی برای ما دیده اند ؟

چه و کدام می توانند به عنوان هسته یک گروه اسمی نیز به کار بروند که در این صورت ضمیر پرسشی اند .
مثال : پاسخ این پرسش کدام است؟ مثال : چه ها می گفتید مثال : بدو گفت خندان که نام تو چیست



صفت شمارش : اصلی : یک - دو - سه

ترتیبی نوع ۱ : یکمین - اولین - نخستین - دومین - سومین -

نکته ۱ : آخرین نیز جزو صفت های ترتیبی است : آخرین جمله او خوب یادم هست

نکته ۲ : صفت شمارشی اصلی و ترتیبی نیز میتوانند به عنوان اسم در جمله بکار بروند

مثال : چون که صد آمد نود هم پیش ماست مثال : او در این گروه اولین است

صفت تعجبی : چه - عجب - چقدر و

نکته : برخی صفات پیشین دو کاربردی هستند و با توجه به جمله شان باید نوع آن را بیابیم (چه - چند - چقدر)

چقدر پول اینجا هست ! (تعجبی) چه امتیازی آوردی ؟ (پرسش)

نکته : هرگاه در گروه اسمی ، صفت تعجبی به عنوان وابسته پیشین باشد ، امکان بکار گیری هیچ وابسته پیشین دیگری وجود ندارد

تذکر : در بیت (عجب نیست از خاک اگر گل شکفت / که چندیدن گل اندام در خای خفت) عجب : به تنهایی آمده و مسند است

صفت مبهم : هر - همه - هیچ - فلان - بهمان - همه نوع و

نکته ۱ : (چند) هم میتواند صفت مبهم (چند نفر به دیدنت می آیند) و هم صفت پرسشی باشد (چند نفر را کشتی؟)

نکته ۲ : بجز هر - چند و چندیدن ، سایر صفت های مبهم می توانند هسته گروه اسمی باشند (اسم مبهم)

مثال : از تو هیچ نمیخواهم / مثال : همه اینطور فکر میکنند

نکته ۳ : در کنکور سراسری همه اگر پیش از اسمی بیاید و مربوط به آن اسم باشد ، چه میان همه کسره بیاید و چه نیاید ، همه را صفت مبهم

در نظر میگیریم (همه محرومان شهر)

صفت عالی (برترین) = صفت + ترین ← زیبا ترین - دل نشین ترین

صفت عالی میتواند در نقش هسته نیز بیاید : او برترین مردم روزگار بود



شخص ها ← عناوین و القاب که بدون هیچ نشانه یا نقش نما قبل از هسته یا بعد از هسته بیایند .

(شاخص ها می توانند بیش از یک عدد باشند مثل حاج آقا روح الله)

مثال : استاد شجریان - امام رضا - رضا شاه - محمود خان

نکات :



۱- بعضی وابسته های پیشین به صورت پسین می آیند ← صفات مبهم : دیگر - چند و شاخص ها

گاهی دیگر ← دیگر نگاه ← چند کتاب ← کتابی چند ← آقا حسن ← حسن آقا

۲- گاهی صفت عالی در جایگاه هسته مینشیند و جانشین اسم به شمار می آید که در این حالت معمولاً

مضاف الیه است .

زیباترین سخن ها , ساده ترین آنهاست .

صفت هسته

۳- هرگاه (دیگر) به معنی (دوباره) یا (از این پس) باشد , قید است .

مثال: دیگر این سوال را ازمن نپرس ← دیگر : دوباره : قید

۴- در گذشته , واژه (یکی) ← گاهی به معنای یک به کار می رفت ← صفت شمارش

گاهی به معنای یک نفر به کار می رفت ← اسم مبهم (ضمیر مبهم)

+ وابسته های پسین :

مضاف الیه : هرگاه اسم یا ضمیری که پس از کسره به عنوان وابسته پسین در گروه اسمی به کار برود , مضاف الیه گویند .

اسم / ضمیر / ویژگی

تله تستی: جهش ضمیر : استفاده نکردن از ضمیر در جای اصلی خود که ممکن است مضاف الیه نباشد و متمم یا مفعول باشد.

مثال :



۱- سعدی تو مرغ زیرکی خوبت به دام آورده ام (تو را)

۲- ترسم که آشوب خوست بر هم زند شیراز را (آشوب خوش تو)

۳- زهرم چو نوشدارو است از دست یار شیرین (زهر برای من)



در شمارش مضاف الیه و صفت باید به نقش های تبعی (مخصوصا معطوف) دقت کنیم . ✕

مثال :

کتاب عشق و محبت و تخیل خریدم ۱- کتاب عشق ۲ - کتاب محبت ۳ - کتاب تخیل

راه تشخیص مضاف الیه از صفت :



۱- کسره اضافه را حذف میکنیم و به آخر آن (است) یا (هستند) اضافه میکنیم . اگر معنی داد (وصفی) اگر معنی نداد (اضافی) میباشد .

۲- آخر ترکیب (تر) یا (ترین) و یا به وسط ترکیب (بسیار) اضافه می کنیم . اگر معنی داد (وصفی) اگر معنی نداد (اضافی) میباشد .

۳- اگر در ترکیباتی به شرط مرتب بودن جمله ، کلمه دوم ضمیر یا کلمه ای جمع باشد قطعاً مضاف الیه است .

تذکر: حرف (را) فک اضافه سبب فاصله بین مضاف و مضاف الیه می شود . ✕

مثال : فلک را سقف بشکافیم و می در ساغر اندازیم / نزدیک است والی را سرای

صفت بیانی : واژه هایی که به کمک کسره، وابسته اسم قبل از خود می شوند و یکی از ویژگی نداشته آن را بیان می کنند تا درباره آن توضیحاتی دهند .

فاعلی : بن مضارع + نده = آینده - شونده

بن مضارع + ا = زیبا - گویا

بن مضارع + ان = شتابان - خراسان

مفعولی : بن ماضی + ه = گفته - دیده

لیاقت : مصدر + ی = پوشیدنی

نسبی : اسم + پسوند نسبیت = ادبی - زرین

نکته : بعضی از پسوند های نسبت ساز : (ی: ایرانی - ین: زرین - انه: تانه - انی: روحانی - چی: تلفن

چی - گان : گروگان)

مطلق : بدون فرمول : زشت - خوب - بد



صفت شمارش ترتیبی نوع ۲ : یکم - دوم - سوم

صفت تفضیلی : صفت + تر : مهربان تر - دوست داشتنی تر

اگر مضاف الیه داشته باشید حتما هسته وجود دارد.



در برخی اشعار به دلیل شیوه بلاغی نظم گروه بهم میریزد ، بهتر است ابتدا عبارت را مرتب کنیم بعد ترکیب ها را معلوم کنیم .

مثال : یکی بی زیان مرد آهنگرم ← ۳ ترکیب وصفی

گاهی ظاهرا پس از کلماتی که میتوانند وابسته پیشین باشند ، اسمی آمده است که الزاما صفت نیستند. با مکث و گسترش می توان این موارد را تشخیص داد .

مثال :

گر پس از این دمی چنان یابم و قدر دانمش.
این کلیم تیره بختی هاست.

گاهی شیوه بلاغی بین هسته و صفت فاصله می اندازد و میتواند تله تست گردد . ✂

مثال :

۱- در این اصطلاح صوفیان ، سخنانی است ادب سوز و فتنه انگیز

۲ - در عشق او دلی است مرا بی خبر ز خویش

در ترکیب های وصفی و اضافی گاهی به جای کسره ، ی نکره می آید که باید حواستان به آن باشد . ✨

دل پاک = دلی پاک





وابسته وابسته :

+ واژه ای است که وابسته به واژه ای دیگر باشد که آن هم خودش وابسته است .

وابسته های وابسته را می توان در دو گروه دسته بندی کرد : صفت / غیر صفت

صفت مضاف الیه (وابسته پیشین) = رشته این دانشگاه

صفت مضاف الیه (وابسته پسین) = دانشگاه برتر

صفت صفت = رشته آبی آسمانی

صفت

مضاف الیه مضاف الیه = رشته این دانشگاه

مميز = دو مقال طلا

قید صفت = معلم بسیار باکلاس

شاخص مضاف الیه = استاد عباسی - کتاب استاد عباسی

غیر صفت

+ وابسته های وابسته با هسته رابطه مستقیم ندارند و به واسطه وابسته , به هسته مرتبط می شوند .

✗ مميز : تنها وابسته وابسته در میان وابسته های پیشین

+ مميز واحد شمارشی است که معمولا با صفت های شمارشی (عدد) همراه میشوند .

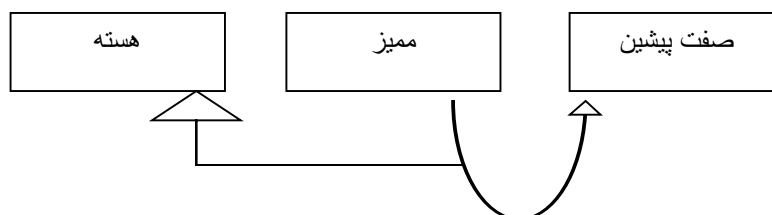
+ (تا) و (عدد) ممیزهای همگانی هستند اما بسیاری از اسم ها واحد شمارش ویژه خود را دارند .

شکل کلی ممیز ← شکل کلی ممیز ←

۱ = واحد شمارش است و وابسته به عدد قبل (۲) است و مجموعا با هم وابسته به هسته ی اصلی (۳) هستند.

واحد های شمارش به شرط آنکه قبلشان عدد و یا (چیزی به جای عدد مثل بعضی صفات مبهم یا پرسش) بیایند

و بعدشان هسته اصلی گروه باشد , وابسته وابسته محسوب می شود و ممیز نام دارد .





- + ممیز همیشه وابسته صفت شمارش نیست؛ گاهی وابسته صفت های مبهم یا پرسش می شود .
- + ممیز لزوماً از واحد های شمارش شناخته شده نیست؛ هر اسمی که در حکم واحد شمارش، وابسته صفت پرسشی صفت شمارش یا صفت مبهم شود، ممیز است .

♥ قید صفت: قید مقدار می تواند پیش از صفت بیاید و درجه و میزان آن را مشخص کند که در این حالت به آنها قید صفت

میگویند.  میگویند.

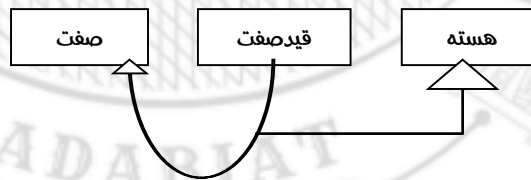
مثال: کتاب نه چندان خواندنی

توجه: گاهی قید زمان هم به عنوان قید صفت به کار می رود .

مثال: مردم زود به پیری نشسته اند / مردم همیشه بیدار

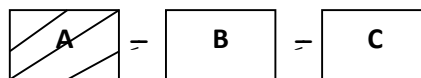
قید صفت

قید صفت



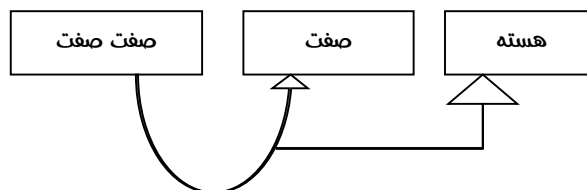
♥ صفت صفت: بعضی از صفات ها همراه صفتی می آیند و صفت همراه خود را بیشتر معرفی میکنند .

✂ توجه: اغلب نمونه های صفت صفت مربوط به رنگ ها است. هرگاه صفتی که یک نوع رنگ را نشان میدهد به کمک صفت بعد از خود توصیف شود؛ یعنی صفت بعدی آن رنگ را دقیق تر مشخص می نماید که به آن صفت صفت می گویند .



اگر **A** صفت **B** باشد و **B** هم صفت **C** پس **A** وابسته وابسته از نوع صفت صفت است .

مثال: آهوی زیبای خفته

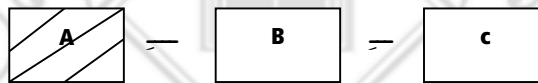




اگر دو صفت هر دو وابسته یک اسم شوند مراقب باشید با (صفت صفت) اشتباه گرفته نشود .

دو صفت برای یک اسم هم پایه ساز هستند .

✗ مضاف الیه مضاف الیه : گاهی برای توضیح بیشتر برای مضاف الیه ، مضاف الیه دیگری می آوریم و به آن مضاف الیه مضاف الیه می گوئیم .

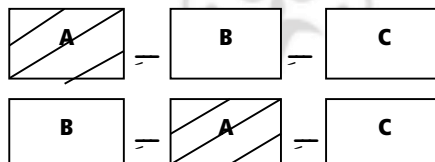


اگر در نمودار بالا A مضاف الیه B باشد و B مضاف الیه C پس A مضاف الیه مضاف الیه است .

مثال : در کتاب خانه مدرسه



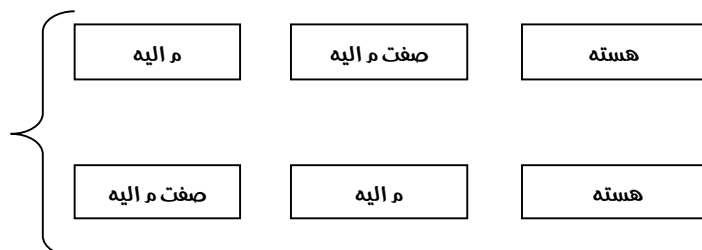
✗ صفت مضاف الیه : صفتی که مضاف الیه را توصیف می کند که به صورت : (پیشین - پسین) می آید .



در حالت اول A صفت B (پسین) و B مضاف الیه C پس A صفت . مضاف الیه است .

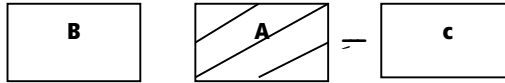
در حالت دوم A صفت B (پیشین) و // // است .

نمودار پیکانی





✂ قید صفت : روش ساخت : اسم + قید + صفت



کلمه **A** قیدی است که صفت **B** را توضیح می دهد .

مثال : هوای واقعا عالی



قانون کلی نمودار کشیدن از وابسته به هسته است .



تبصره : اگر به کلمه ای فلشی وارد شود از آن کلمه فلشی خارج نمی شود و باید از فلشی وارد شده خارج شود .

⚠ در یک گروه اسمی معمولا اولین اسمی که کسره می گیرد هسته است . گاهی شاخص یا بدل اولین واژه ای است که از گروه کسره می گیرد .

مثال : کریم خان زند

با اینکه خان کسره گرفته است اما می‌دانیم که هسته نیست بلکه شاخص کریم است .

پس : توجه به کسره پیدا کردن هسته گروه اسمی را ساده می کند به شرطی که شاخص و بدل را با هسته اشتباه نگیریم .

نگاهی ریز تر به قانون نمودار کشیدن :

۱- ابتدا کسره گذاری می کنیم و هسته و وابسته را مشخص می کنیم .

۲- همیشه ابتدا پیکان را دورترین وابسته ها را می کشیم .

۳- از بین وابسته های دیگر پیکان وابسته ای را می کشیم که در فاصله کمتری از هسته قرار دارند .

مثال :





تمرین

هرکدام از ابیات که وابسته وابسته دارد را مشخص .

- | | |
|---------------------------------------|---|
| مسلك مرغ گرفتار قفس , همچو من است | ۱) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است |
| خون دل شاهان که می اش نام نهادند | ۲) با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد |
| برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو | ۳) این فصل , فصل من و دوست فصل شکوفایی ما |
| چو دانا یکی گوی و پرورده گوی | ۴) حذر کن ز نادان ده مرده گوی |
| پر اندیشه گشتی به دیگر کران | ۵) وزین دختر شاه هاموران |
| جفت بدحالان و خوش حالان شدم | ۶) من به هر جمعیتی نالان شدم |
| همی هیزم آورد پر خاش جوی | ۷) به صد کاروان اشتر سرخ موی |
| بخروش چو شرزه شیر ارغند | ۸) بکرای چو ازدهای گرز |
| آورده مرغ گرم به آغوش تو پناه | ۹) لبریز زندگی است نفس های آخرت |
| کزین کوه آتش نیابم تپش | ۱۰) به نیروی یزدان نیکی دهش |
| نیست از فرسنگ آن , آگاه کس | ۱۱) وانیامد در جهان زین راه , کس |

